



سپهر گره راهبردی - مهدی عجمی - جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیش از ۵۸۰۰کیلومتر سواحل در شمال و جنوب و معادل ۴۰درصد مرزهای خود که در مجاورت آب‌های آزاد قرار دارد، به‌واقع کشوری «دریایی» محسوب می‌شود.از این رو، دریای عمان، تنگه‌هرمز و خلیج فارس که از حیاتی‌ترین مسیرهای انرژی جهان هستند، هم‌زمان بهترین فرصت‌ها و جدی‌ترین چالش‌ها را برای کشور ایجاد کرده‌اند.

به گزارش روزنامه اقتصاد سراسر، دکتر مهدی عجمی، عضو هیأت علمی گره سواحل، بنادر و سازه‌های دریایی دانشگاه صنعتی شاهرود و رئیس پیشین انجمن مهندسی دریایی ایران، در مطلبی تحلیلی برای روزنامه اقتصاد سرآمد به بررسی چشم‌انداز بازدارندگی دریایی و امنیت اقتصاد دریایی با دورنمای جنگ احتمالی آینده در دریاهای پرداخته است. این مطلب را در ادامه می‌خوانید:

ایران باید با بهره‌گیری هوشمندانه از این موقعیت ژئوپلیتیک و توسعه یک اقتصاد دریایپایه (اقتصاد آبی) قدرتمند، ضمن تأمین منافع ملی، توان سخت‌افزاری خود را نیز برای بازدارندگی تقویت کند. در این چارچوب، «بازدارندگی دریایی» و «امنیت اقتصادی دریایی» دو بال مهم در بالابردن قدرت ملی و دستیابی به توسعه پایدار به‌شمار می‌آیند. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز بارها بر اهمیت تبدیل اقتصاد کشور به یک اقتصاد دریامحور و قرار دادن دریا در کانون سیاست‌های کلان تأکید کر کرده‌اند. در این یادداشت تحلیلی، ابتدا نقش راهبردی دریا در نبردهای مدرن بررسی شده، سپس ظرفیت‌های نظامی -دریایی ایران تشریح و به بازبیرگان کلیدی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مقایسه می‌شود. در ادامه فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی ایران از منظرهای اقتصادی و حقوق بین‌المللی در حوزه دریایمطرح شده و چند سناریوی احتمالی درگیری دریایی در منطقه تحلیل می‌شود. در پایان نیز راهکارهای تقویت بازدارندگی و پشتیبانی از توسعه پایدار در زمینه دریا به تمرکز بر «امنیت اقتصادی دریایی» و مزیت‌های دریامحور ایران ارائه خواهد شد.

نقش راهبردی دریا در جنگ‌های مدرن

تجربه جنگ‌های قرن بیستم و بیست‌ویکم نشان می‌دهد کنترل آب‌رها و دریاهای تا چه اندازه برای پیروز شدن یا شکست در یک جنگ سرنوشت‌ساز است. در جنگ جهانی دوم، نبرد بزرگ اقیانوس اطلس و نبرد اقیانوس آرام به ما موخت که بدون برتری در دریا و توان اسسکورت ناوگان تجاری، هیچ ملتی قادر به پشتیبانی کافی از جنگ‌افزارها و لشکرکشی‌های خود نیست. برتری دریایی متفقین سبب تحقق بزرگ‌ترین عملیات آبی -سخاکی تاریخ (نرماندی) شد و در عین حال محاصره دریایی قدرت‌های محور را به فروپاشی کشاند. جنگ فالکلند (۱۹۸۲) نیز نشان داد حتی نیروی دریایی مجهز و فناوری محور بریتانیا در برابر موشک‌های کروز و زیردریایی‌های آرژانتین آسیب‌پذیر است، غرق شدن ناوچه‌ها و رزم‌ناوهای مدرن، ضرورت یکپارچگی کامل با سامانه‌های پدافندی هوایی و موشکی را اثبات کرد. نکته مشترک در همه این نبردها اهمیت نظام‌های اطلاعاتی و کنترل دریا و همچنین هماهنگی قوا بر فراز دریاهای بود؛ کشتی‌های جنگی و ناوهای هواپیمابر تنها وقتی می‌توانند ضربه نهایی را وارد کنند که سامانه‌های هوایی، زیرسطحی و سایبری در کنار آن‌ها به خوبی عمل کنند.

جنگ «فتکش‌ها» (دهه ۱۳۶۰ خورشیدی) در خلیج فارس نمونه‌ای کلاسیک از کاربرد تاکتیک‌های نامتقارن و اقتصادی در جنگ دریایی بود. ایران و عراق هر کدام با هدف مختل سازی اقتصاد دشمن دست به حمله گسترده به ناوگان فتکش یکدیگر زدند. ایران با استفاده از مین‌های دریایی و قایق‌های تندرو نشان داد حتی با تجهیزات نااهنگن، می‌توان ناوگان مدرن و اسکورتشده دشمن را هدف قرار داد. حادثه برخورد فتکش بریتچون آمریکا با مین‌های دریایی ایرانی در جولای ۱۹۸۷ و غرق‌شدن ناوچه آمریکایی در ۱۹۸۸ بهترین مثال‌های این رویکرد بودند. در نهایت، جنگ فتکش‌ها با عملیات برق‌آسای انتقامجویانه آمریکا (عملیات «آخوندک») پایان یافت که بخش عمده توان نیروی دریایی کلاسیک ایران را از بین برد. این تجربه تاریخی نشان می‌دهد اهرم‌های اقتصاد دریا در صورت از دست رفتن بازدارندگی به‌سرعت تبدیل به اهداف اصلی دشمن می‌شوند.

امروزه به‌رمغ ظهور تسلیحات پیشرفته و جنگ‌افزارهای نامتعارف، نقش دریا در جنگ‌ها همچنان محوری است. کشتی‌های هواپیمابر با جنگنده‌های چلاک، ناوشکن‌های مجبور به آذره‌های انتمی، زیردریایی‌های نامتفکن، سامانه‌های موشکی دوربرد و پهپادهای دریایی همه و همه نشان می‌دهند تسلط بر دریاهای کلید هرگونه عملیات آفندی یا پدافندی راهبردی است. به‌علاوه، در قرن بیست‌ویکم هم‌افزایی فناوری (از جمله جنگ الکترونیک و سایبری) اهمیت دریا را بیشتر کرده است. امروز یک گروه ناو آمریکایی در خلیج‌فارس تنها با شلیک چندموشک کروز تاماهاوک می‌تواند مهم‌ایران را در عمق خاک هدف قرار دهد؛ از سوی دیگر، ایران هم با انبوهی از پهپادهای ارزان‌قیمت، قایق‌های انفجاری و زیرساخت‌های پدافندی ساحلی عملا هر ناو هواپیمابر واردشونده را در تیررس قرار می‌دهد. این واقعیت نشان می‌دهد که بازدارندگی دریایی براساس توان نامتقارن در چنین صحنه‌ای ضرورت دارد تا هزینه تهاجم دشمن از پیش به سطح غیرقابل مقبول برسد. در مجموع، تاریخ معاصر ثابت کرده است که هر قدرتی نتواند امنیت خطوط مواصلاتی و منابع اقتصادی خود در دریاهای را تضمین کند - در کنار توان رزمی در دریا - احتمال پیروزی یا حداقل بقا در جنگ‌های آینده را افزایش خواهد داد.

توانمندی‌های ایران درنبرددریایی

نیروی دریایی ایران (اعم از ارتش و سپاه پاسداران) در سال‌های اخیر تلاش فراوانی کرده تا همگام با تحولات فناوری نظامی، به قدرتی دریامحور تبدیل شود. در بخش سلاح‌های نامتقارن، ایران موشک‌های ضدکشتی کروز (نظیر سری «نور» و «قادر») را در بردهای متغیر تولید کرده است. این موشک‌ها توان هدف‌گیری شناورهای دشمن را از فاصله چندصدکیلومتری دارند. افزون بر این، سامانه‌های ساحلی متحرک موشک‌های بالستیک و کروز نیز توسعه یافته تا پوشش پدافندی بر ساحل را تقویت کنند. در همین حال، دریادلان ایرانی به پیگردی‌های پهپادی گسترده دست یافته‌اند؛ پهپادهای رزمی دریایی، پهپادهای شناسایی و حتی قایق‌های بدون سرنشین هدف‌زن (کامی‌تاگر)، جنگ‌افزارهایی هستند که در بخش پهپادهای ناگهانی یا پدافند نامتقارن نقش آفرین می‌شوند. برای نمونه، تیپ پهپاد نو ظهور سپاه اعلام کرده است که قایق‌های خودران انفجاری قابل هدایت به سمت ناوگان دشمن را در رزمایش‌ها آزمایش کرده است.

در حوزه زیرسطحی، ایران با وجود تحریم‌ها و محدودیت‌های فناوری، ناوگان شناساوریهای زیردریایی دیزلی -الکتربکی (کلاس‌های «فاتح» و «غدير») را بومی‌سازی کرده است. این زیردریایی‌ها گرچه آستانه عملکرد محدودی نسبت به نمونه‌های هسته‌ای بزرگ دارند، اما در آب‌های نسبتاً کم‌عمق خلیج‌فارس و دریای عمان پنهان‌کاری قابل توجهی دارند. سامانه‌های مین‌گذاری پیشرفته و کنترل از راه دور (از جمله مین‌های راکتی لایپای و هوشمند) نیز در ارتش و سپاه موجود است تا در شرایط بحرانی تنگه‌هرمز و معابر حیاتی را ناامن کنند. در بخش پهپادهای دریایی، پروژه ساخت ناوچه‌های پهپادیر (مانند «شهید مهدوی» و «شهید باقری») نشان می‌دهد ایران به دنبال گسترش برد عملیاتی خود به آب‌های آزاد است؛ این شناورها قادر به حمل انبوهی از پهپادهای تهاجمی و شناسایی برای عملیات بلندمدت هستند.

سلاح‌های پدافندی و ضدکروز ایرانی نیز مدرن‌سازی شده‌اند. سامانه‌های پدافند

ساحلی بومی (مانند «پاور-۳۷۳»، یا سامانه سوم‌خرداد روی نسخه‌های دریایی) می‌توانند سطح حفاظت از بنادر و یگان‌های شناور را ارتقا دهند. جنگ‌افزارهای سایبری و الکترونیک، از سیستم‌های مختل‌کننده مخابرات تا سامانه‌های هشدار زود هنگام راداری، همچنین بخشی از توان دفاعی ایران در دریا هستند. افزودن تسلیحات لیزری بر دکوتاه روی غرشه برخی شناورها و نصب سیستم‌های کنترل آتش بومی (مانند سیستم «سفیر» روی تعدادی از ناوچه‌ها) گواهی بر استراتژی کلان‌انگا به امکانات بومی است.

در مجموع، توانمندی ایران در جنگ نامتقارن دریایی، مبتنی بر مزیت‌های دریامحور و محلی است. ایران ناوگانی بزرگ ندارد، اما با تکیه بر سرمایه انسانی متخصص و فناوری‌های بومی، هر شناور مهاجم را هدف قرار می‌دهد. وجود سواحل طولانی و صدها کیلومتر خطوط آبی نیز عمق استراتژی دفاعی بالاتری را فراهم کرده است. برای مثال، تسلط ایران بر تنگه‌هرمز، در تئوری، قابلیت قطع جریان نفت یک‌پنجم مصرف جهان را به کشور می‌دهد؛ اهرمی که از سال‌های گذشته همواره در مواضع راهبردی تهران مطرح بوده است. به بیان دیگر، ایران نه‌تنها باید به افزایش توان تسلیحاتی خود ادامه دهد، بلکه این توانمندی‌ها را در قالب یک استراتژی یکپارچه در خدمت امنیت اقتصادی (محافظت از بنادر و مسیرهای تجاری) و نظامی قرار دهد تا قدرت بازدارنده دریایی خود را تثبیت کند.

مقایسه تطبیقی توان دریایی ایران بابازیرگان کلیدی

برای درک واقعی موقعیت راهبردی ایران در دریا، ضروری است امکانات و معایب خود را در برابر قدرت‌های اصلی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مقایسه کنیم. از یک سو، ایالات متحده آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین نیروی دریایی جهان، مسلح به ناوهای هواپیمابر اتمی، ناوشکن‌های پیشرفته بالستیک و ناوهای مین‌روب ظرفیت بسیار بالایی در منطقه دارد. آمریکا ناوگان پنجم خود را در بحرین مستقر کرده و پایگاه‌های فراوانی در اطراف خلیج‌فارس دارد که امکان سوخت‌رسانی و پشتیبانی مداوم به نیروهایش می‌دهد. برتری موشک‌های دوربرد تاماهاوک، جنگنده‌های F/A-۱۸ و F-۳۵، پهپادهای پیشرفته و جنگ الکترونیک مثل EA-۱۸G آمریکا، به آمریکا توان سرکوب هرگونه تهدید در دریای عمان و خلیج‌فارس را می‌دهد. بااین حال، همین ناوگان عظیم در محیط تنگ و کم‌عمق خلیج‌فارس با مشکل جدی مواجه است؛ چراکه تیپ‌های قایق‌های تندرو، پهپادها و مین‌های دریایی ایران می‌توانند هر ناو بزرگی را در تیررس نگه دارند. به‌ بیان دیگر، در مقیاس جهانی آمریکا چند پله از ایران جلو است، اما در حوزه صحنه بسته منطقه، ایران توانسته است از تاکتیک‌های نامتقارن بهره برده و سطح حرکت آزاد ناوگان اقیانوسی را محدود کند.

در مقایسه با نیروی دریایی اسرائیل، نکته کلیدی قدرت اسرائیل زیردریایی‌های کشتارچی کلاس «دلفین» است که گفته می‌شود قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را دارند و پرد موشک کروز آن‌ها تا ۵۰۰کیلومتر است. ناوگان سطحی ایران در برابر این تهدید محدود است و اسرائیل عملاً از هر فرصتی برای ضربه زدن به کشتی‌های مرتبط با ایران در دریای عمان و سرخ استفاده کرده است. تجره به سال‌های اخیر نشان داده است که جنگ ساحلی میان ایران و اسرائیل هم‌کانون نیز جریان دارد و تا زمانی که ایران این ضعف را با پایش دقیق خطوط ساحلی و به‌کارگیری ناوهای ضدزیردریایی برطرف نکند، وضعیت بحرانی باقی خواهد ماند.

هم‌زمان، قدرت‌های منطقه‌ای نسبت به ایران ظرفیت‌ها و ضعف‌های متفاوتی دارند. عربستان و امارات، هر چند تجهیزات مدرن (ناوچه‌ها و چندماموریتی غربی، شناورهای تندرو و موشک‌انداز و پهپادهای دریایی) در اختیار دارند، اما با انکنا به پرسنل خارجی و نبود عمق استراتژیک مواجه هستند. این دو کشور حداکثر قادرند یکپارچه با آمریکا عمل کنند؛ اما بدون کمک فرامنطقه‌ای، در نبرد نامتقارن در آب‌راههای محدود جایی که ایران متمرکز است زود خسته می‌شوند. ترکیه و مصر نیز نیروی دریایی بزرگی دارند، ولی دسترسی جغرافیایی ترکیه به خلیج‌فارس محدود است و مصر با توجه به منافع در دریای سرخ، چشم‌انداز متفاوتی دارد. از همه اینها مهم‌تر، هیچ‌کدام از کشورهای منطقه به اندازه ایران عمق استراتژیک (سواحل مکران و خلیج‌فارس) را در اختیار ندارد. ایران با هفت استان ساحلی و پایگاه‌های متعدد دریایی، توانسته است بخش بزرگی از هزینه‌های آسیب دشمن را خود به جان بخرد. در مقابل، کشورهای چین و امارات عملاً چند پایانه نفتی حیاتی بیشتر ندارند و عربستان به سختی می‌تواند بدون پشتیبانی هوایی آمریکا از آن‌ها حفاظت کند.

به‌طور خلاصه، ایران در چیدمان منطقه‌ای هرچند در تجهیزات سطحی و زیرسطحی برتری بزرگ نداشته باشد، توانسته است با طراحی یک استراتژی مختلط نظامی -انقلاب‌سنتعی دوگانه (متعارف و نامتقارن) نوعی موازنه راهبردی غیرمتقارن ایجاد کند. این مزیت دریامحور ایران نه در عدد ناوها، بلکه در نیروی قانیه‌کننده مضاعف تعبیه شده (عمق ساحلی طولانی، انباشت سلاح‌های شناور سبک، قابلیت مین‌گذاری و انهدام زیرسطحی) است که هزینه تجاوز هر دشمنی را بسیار بالا می‌برد. در قیاس تطبیقی، نقاط قوت ایران بیشتر در حوزه ناهم‌تراز و نامتقارن است: شبکه گسترده موشک‌های کروز ساحل‌پایه و بالستیک ضدکشتی (مانند خلیج‌فارس و ذوالفقار) که بُرد صدها کیلومتری دارند، توان تهدید ناوهای دشمن را از سواحل ایران فراهم می‌کنند. همچنین ناوگان قایق‌های تندرو و پهپادهای انتحاری و دریایی سپاه، امکان عملیات سریع و موجی علیه واحدهای بزرگ‌تر را دارند که یک مزیت در آب‌های کم‌عمق خلیج‌فارس محسوب می‌شود. جغرافیای ایران خود یک عامل قدرت است؛ بخش عمده سواحل و جزایر استراتژیک خلیج‌فارس در اختیار ایران است و کشتنی‌های عبوری مجبورند از نزدیکی این سواحل عبور کنند. از س‌وی دیگر، نقاط ضعف ایران در مقایسه با رقیبا شامل قدیمی بودن بخشی از ناوگان سنگین (مثلاً ناوچه‌های کلاس آلوند متعلق به پیش از انقلاب)، محدودیت در توان پدافند هوایی دریایی دوربرد و نبود یگان هوادریای (هواپیماهای دریانورد) کارآمد است. همچنین عدم‌دسترسی به فناوری‌های پیشرفته‌تر (به‌دلیل تحریم‌ها) باعث شده ناوگان زیرسطحی ایران عمدتاً شامل زیردریایی‌های دیزل الکتریک غیراتمی باشد که برای آب‌های دوردمست محدودیت برد و ماندگاری دارند.

تحلیل ژئوپلیتیکی موقعیت ایران در آب‌راهه‌ها

موقعیت جغرافیایی ایران را می‌توان کم‌نظیر دانست. در جنوب، ایران سراسر طول دریای عمان تا دریاچه اقیانوس هند را در اختیار دارد؛ بندر چابهار تنها بندر اقیانوسی کشور است که دسترسی مستقیمی به آب‌های آزاد می‌دهد. گسترش بنادر مکران و پایگاه‌های جدید (جاسک و کنارک) به ایران امکان داده تا وزن نیروی دریایی خود را به آب‌های عمیق‌تر منتقل کند و در اقیانوس هند و دریای سرخ حضوری مؤثر داشته باشد. این حضور سبب شده ایران حتی ماموریت اسکورت دریایی در اقیانوس هند و دریای سرخ را به نیروی دریایی خود واگذار کند؛ اقداماتی که نشان از پیگیری ایران برای تبدیل شدن به «قدرت آبی» در سطح فرامنطقه‌ای دارد.

در کنار این، خلیج‌فارس به عنوان مخزن ۵۶۸ذخایر نفت و گاز شناخته‌شده جهان و منطقه‌ای نیمه‌بسته که بیشترین فشار طبیعی دفاعی را به ایران می‌دهد، همچنان مهم‌ترین عرصه است. ایران با داشتن طولانی‌ترین خط ساحلی در خلیج‌فارس و جزایر استراتژیک بوموسی، تنب بزرگ و دهانه تنگه‌هرمز، می‌تواند بر

«سرآمد» دورنمای جنگ احتمالی در دریا را بررسی کرد؛

سناریوهای احتمالی درگیری دریایی آینده

راهکارها و سیاست‌های پیشنهادی برای تقویت بازدارندگی و امنیت دریایی ایران یک مقایسه تطبیقی از توان دریایی ایران بابازیگران کلیدی منطقه

فرصت‌ها و تهدیدهای ایران در حوزه‌های نبرددریایی آینده

عرصه دریاهایعلاوه‌بر جنبه‌های نظامی، دارای ابعاد اقتصادی، حقوقی و زیرساختی مهمی است که می‌تواند در دوران صلح و جنگ برای ایران هم فرصت‌آفرین و هم تهدیدزا باشد. ایران از برخی فرصت‌ها و مزیت‌های استراتژیک نیز برخوردار است. مهم‌ترین فرصت ایران، برتری جغرافیایی و اشراف بر تنگه‌هرمز و سواحل طولانی خلیج‌فارس است. استقرار موشک‌ها، سامانه‌های ساحلی و شناورها در نزدیک‌ترین فاصله به آب‌راه‌های حیاتی، به ایران امکان می‌دهد تا در زمان کوتاه و با بهره‌گیری از غافلگیری، ضربات سختی به نیروهای مهاجم وارد آورد یا رفت‌وآمد کشتی‌ها را مختل کند. عمق راهبردی و خطوط تدارکاتی کوتاه‌تر برای ایران به معنای توان تداوم عملیات در یک جنگ فرسایشی دریایی است؛ در حالی‌که نیروهای فرامنطقه‌ای برای حفظ حضور خود باید به خطوط طولانی تدارکاتی و پایگاه‌های دوردمست متکی باشند. ایران همچنین با بومی‌سازی فناوری‌ها و توسعه جنگ‌افزارهای ارزان‌قیمت اما کارآمد (موشک‌های کروز ضدکشتی، پهپادهای انتحاری، مین‌های دریایی و...) توانسته ابزاری نامتقارن برای مهار رقیبای پیشرفته فراهم کند. این مزیت نامتقارن، هزینه هرگونه درگیری را برای دشمنان افزایش می‌دهد.

چالش‌های اساسی نیز پیش‌روی ایران قرار دارد. نخست، شکاف فناوری و کیفی میان تجهیزات ایران و رقیبا قابل انکار نیست. ناوگان کلاسیک نیروی دریایی ارتش ایران عمدتاً متکی به شناورهای قدیمی‌تر (دهه ۱۹۷۰ میلادی) یا تعداد محدودی ناوچه بومی جدید است که در برابر کشتی‌های پیشرفته دشمن از نظر سامانه‌های پدافندی و حسگرها ضعف دارند. برتری مطلق هوایی آمریکا و متحدانش نیز چالشی جدی است؛ تجربه جنگ فالکلند نشان داد که نبود پوشش هوایی کافی می‌تواند آسیب‌پذیری شناورها را مرگبار سازد. در آن جنگ، نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا با وجود قدرت برتر، متحمل خسارات جدی از حملات هوایی آرژانتین و موشک‌های اگزوست شد، به‌طوری‌که چند موشک ارزان‌قیمت توانست شاد و انگلیسی از جمله ناوشکن شفیلد را غرق کند. پیام استراتژیک فالکلند آن بود که حتی یک نیروی دریایی درجه‌یک بدون پشتیبانی هوایی کافی، در برابر حملات هوایی و موشکی دشمن آسیب‌پذیر است. این درس برای ایران نیز مهم است: در سناریوی جنگ دریایی، تسلط هوایی و فضای اطلاعاتی رقیب، پاشنه‌اشیل هرگونه ابتکار عمل دریایی ایران خواهد بود.

چالش دیگر، وحدت و هماهنگی رقبای منطقه‌ای علیه ایران است. با آنکه کشورهای حاشیه خلیج‌فارس اختلافات داخلی دارند، حضور ایران به عنوان دشمن مشترک می‌تواند آن‌ها را در یک ائتلاف ضدایرانی موقت متحد کند. هرچند برخی تحلیل‌ها به وجود ناهماهنگی و ضعف سساختاری در نیروهای دریایی غربی منطقه اشاره دارند - از جمله پایین‌بودن اولویت تجهیزاتی آن‌ها و کابستی در آموزش‌های مشترک - اما در صورت بروز جنگ، این کشورها احتمالاً با پشتیبانی لجستیکي و اطلاعاتی آمریکا، ضعف‌های خود را جبران خواهند کرد. افزون بر این، ایران با محدودیت‌های اقتصادی دست‌به‌گریبان است. یک نبرد دریایی طولانی می‌تواند صادرات نفت و درآمد‌های ارزی کشور را کاهش داده و هزینه‌های جنگ را تحمیل کند. محاصره دریایی احتمالی یا انسداد بنادر ایران توسط دشمن، فشار اقتصادی و اجتماعی سنگینی بر تهران وارد خواهد کرد.

در مجموع، ایران در یک منازعه دریایی محتمل، ترکیبی از فرصت‌ها و تهدیدها را پیش رو دارد. بهره‌گیری هوشمندانه از مزیت‌های جغرافیایی و نامتقارن، همراه با



مدیریت چالش‌های فناورانه و دیپلماتیک، تعیین خواهد کرد که آیا ایران می‌تواند دشمنان برتر خود را فرسایش داده و به بازدارندگی مؤثر دست یابد یا خیر. در ادامه، برای فهم بهتر موازنه قوا، توان دریایی ایران با رقبای کلیدی مقایسه می‌شود. در این بخش به مهم‌ترین فرصت‌ها و تهدیدهای ایران در حوزه‌هایی مانند اقتصاد دریایی، حقوق بین‌الملل، امنیت بندرها، حمل‌ونقل انرژی و زیرساخت‌های دریایی پرداخته می‌شود.

اقتصاد دریایپایه:

فرصت‌ها: ایران با داشتن سواحل طولانی در شمال و جنوب، پتانسیل عظیمی برای توسعه اقتصاد مبتنی بر دریا دارد. تجارت دریایی (صادرات و واردات از طریق دریا) شریان حیاتی اقتصاد کشور است و توسعه بنادر بزرگی چون شهیدرجایی، امام‌خمنی و چابهار می‌تواند درآمد‌های ترازینتی و اشتغالزایی گسترده ایجاد کند. همچنین منابع زنده دریایی (شیلات) و منابع بستر دریا (مانند میادین نفت و گاز فراساحلی) فرصت‌های اقتصادی ارزشمندی هستند. هرچه قدرت دریایی ایران بیشتر شود، امکان بهره‌برداری امن‌تر از این منابع و مسیرها فراهم‌تر خواهد شد. برای مثال، امنیت خطوط کشتیرانی صادرات نفت و پتروشیمی ایران در گرو حفاظت دریایی است؛ تقویت نیروی دریایی و حضور فعال در آب‌راه‌ها باعث افزایش اطمینان شرکت‌ها و بیمه‌گران بین‌المللی برای کار با بنادر ایران می‌شود و به رونق تجارت کمک می‌کند. افزون بر این، طرح‌های توسعه سواحل مکران و تبدیل آن به قطب صنعتی -تبداری، از جمله فرصت‌هایی است که با تأمین امنیت دریایی و سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند اقتصاد کشور را متحول کند.

تهدیدها: در صورت بروز جنگ دریایی یا افزایش تنش‌ها، اقتصاد دریایپایه ایران به شدت آسیب‌پذیر می‌شود. تحریم‌های دریایی و محدودیت‌های بیمه‌ای یکی از حربه‌هایی است که در سال‌های گذشته علیه صادرات نفت و کشتیرانی ایران به کار رفته و می‌تواند تشدید شود. به عنوان نمونه، در مقاطعی برخی شرکت‌های کشتیرانی ایرانی نظیر خطوط کشتیرانی جمهوری اسلامی با نفتکش‌های ایران در لیست تحریم قرار گرفتند که امکان پهلوگیری یا عبور آن‌ها را محدود کرد. در

مستقیم به کشتی‌های دشمن در دریای سرخ یا نزدیکی باب‌المندب ترتیب دهد. حوثی‌های یمن به‌عنوان هم‌پیمان ایران، بارها تهدید کرده‌اند که اگر آمریکا مستقیماً وارد جنگ ایران شود، به کشتی‌های آمریکایی در دریای سرخ حمله خواهد کرد. در نوامبر ۲۰۲۳، حوثی‌ها با موشک بالستیک ضدکشتی چند کشتی تجاری در دریای سرخ را هدف قرار دادند که نشان داد به این سلاح‌ها دست یافته‌اند. بنابراین شاع درگیری ممکن است از خلیج‌فارس فراتر رود و کل شاهراه دریایی خاورمیانه -از تنگه‌هرمز تا کانال سوئز -دستخوش ناامنی شود. این وضعیت به نوبه خود پای بازیگران بیشتری را بازی می‌کند: مصر و کشورهای آفریقای شرقی نگران امنیت کانال سوئز و سواحل‌شان خواهند شد؛ اتحادیه اروپا که بخش عمده تجارتش از کانال سوئز می‌گذرد، برای حفاظت از منافعش شاید وارد عمل شود (چنانکه قبلاً در ۲۰۱۹ نیروی دریایی اروپا یک ماموریت نظارتی در تنگه‌هرمز برقرار کرد). در اقیانوس هند، کشورهایی چون هند و پاکستان نیز بی‌تفاوت نخواهند بود. هند رقیب سنتی پاکستان و شریک آمریکاست؛ احتمالاً از تضعیف ایران (هم‌پیمان چین) ناخشنود نخواهد شد، اما نگران انسداد مسیر نفت خود از ایران و عربستان نیز هست. پاکستان روابط نزدیکی با عربستان دارد و شاید کمک‌های پشتیبانی (مثل ارائه بنادر گودار و کراچی برای لجستیک) انجام دهد. چین به عنوان واردکننده بزرگ نفت و دوست ایران، پیشترین باخت را در اختلال نفتی دارد؛ انتظار می‌رود چین تمام تلاش خود را برای توقف جنگ یا ایجاد مسیرهای جایگزین (حتی انتقال نفت از طریق خاک خود به اروپا) به‌س‌کار گیرد. در این میان، حضور نظامی دائمی چین در منطقه محدود است (چین یک پایگاه کوچک در جیبوتی دارد و گاه ناوشکن‌هایش برای رزمایش به بندرعباس می‌آیند). اما شاید چین با روسیه در ش‌ورای امنیت، به دنبال مهار جنگ از طریق دیپلماسی باشند. بنابراین، موقعیت ژئوپلیتیک ایران در سه‌آبراه انرژی جهان یک فرصت و مزیت بی‌بدیل است. این مزیت در صورتی عاید کشور می‌شود که ضمن ادامه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دریایپایه، شبکه بازدارندگی دریایی را مستحکم کند. همچنین لازم است ایران از لحاظ دیپلماتیک، روابط استراتژیک منطقه‌ای و بین‌المللی خود را مدیریت و سیاست‌های دریایی خود را به صورت یکپارچه تبیین کند.